

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این تابلو را از نزدیک ببینیم!

نویسنده:

احمد یار محمدی

سرشناسه	:	یار محمدی، احمد، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور	:	این تابلو را از نزدیک ببینیم! نویسنده احمد یارمحمدی.
مشخصات نشر	:	اراک: ، ۱۳۹۷.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۴-۸۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
مشخصات ظاهری	:	۲۹۲ ص.
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ -- دیدگاه درباره جنگ ایران و عراق
موضوع	:	Iran - Iraq WarKhamene'i , Sayyed Ali , Leader of IRI -- Views on
موضوع	:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷
موضوع	:	Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸
رده بندی دیویی	:	۰۸۴۴/۹۵۵
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ الف۸۸/ج ۱۶۹۲DSR
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۱۲۹۱۶۵

تلفن: ۰۷۱-۳۲۲۶۶۰۳۲-۰۸۶ نمابر: ۰۸۳-۳۲۲۶۶۰۸۳-۰۸۶ - www.shohud.ir

◆ این تابلو را از نزدیک ببینیم!

◆ نویسنده: احمد یارمحمدی

◆ ناشر: انتشارات اندیشه مطهر

◆ صفحه آرا: بوستان فرهنگی کوثر

◆ نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۷

◆ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

◆ چاپخانه: مجتمع چاپ هم کیشان

◆ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

◆ شابک: ۲-۸۳-۷۴۴۴-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

◆ حق چاپ برای مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس محفوظ است.

◆ **با حمایت:** کنگره ملی نقش امام خمینی^(ع) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مرکزی

مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس بسیج سپاه روح‌الله^(ع) استان مرکزی

◆ **مرکز پخش:** اراک/ میدان امام حسین^(ع) مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع

مقدس بسیج سپاه روح‌الله^(ع)... استان مرکزی- تلفن ۰۸۳-۳۲۲۶۶۰۸۳-۰۸۶

تقدیم بہ:

ہمسر کرامی ام، خواہر شہیدان والامقام حسین و علی اکبر آشوری

به نام حضرت دوست

تاریخ پر فراز و نشیب ملت بزرگ ایران با افتخارآفرینی و غیرتمندی قهرمانان این مرز و بوم آمیخته است. سالها مادران این سرزمین قصه های دلآوردی قهرمانان گذشته مانند میرزا کوچک خان جنگلی، ستارخان، باقرخان، امیرکبیر، رئیسعلی دلواری و... را با افتخار برای فرزندان خود نقل می کردند و آرزو می کردند روزی چنین فرزندان پرورش دهند. آن گاه که سایه ظلم و ستم حکومت ستم شاهی بر سر این ملت سنگینی می کرد، ناگاه خورشیدی از سرزمین آفتاب تابیدن گرفت و پس از سالها مبارزه طومار حکومت ظلم ستم شاهی را درهم پیچید. مردی که فخر این سرزمین و فخر شیعه است تا قیام قیامت.

مردی که دم مسیحایی اش به ملت ما زندگی بخشید و آنها را به میدان مبارزه با ظلم و ستم و استبداد آورد تا اینکه اولین حکومت اسلامی بعد از حکومت معصومین را بنیان نهاد. روزی که حکومت نوپای جمهوری اسلامی از هر سو مورد تهاجم سلطه گران قرار گرفت و انتظار می رفت که با این تهاجمات گسترده این نظام نوپا ساقط گردد، هزاران هزار جوان پرورش یافته مکتب عاشورا که دم مسیحایی امام^(ع) آنان را به حرکت وا داشته بود، به میدان مبارزه و جهاد شتافتند و هزاران رئیسعلی دلواری و کوچک جنگلی دیگر تجلی نمودند تا هیچگاه مادران این سرزمین برای قصه هایشان قهرمان کم نیاورند، شاعران در وصفشان بسرایند، هنرمندان چهره هایشان را به تصویر کشند. مورخین تاریخشان را باز بنگارند و نسل آینده به داشتن این قهرمانان بر خود ببالند.

امروز که قریب به سی سال از دفاع جانانه و دلاورانه این ملت می گذرد برماست که این قسمت از دفتر تاریخ این ملت را هر چه بیشتر به رخ بکشیم و نگذاریم یاد و خاطره رشادتها، دلاوریها، ایثارگری ها و ... این قهرمانان به فراموشی سپرده شود. همانگونه که رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: «امروز فضیلت زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست».

در راستای انجام این وظیفه خطیر «کنگره ملی نقش امام خمینی^(ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی» برگزار خواهد شد. ستاد کنگره با حضور مسئولین استان و گروهی از یادگاران دفاع مقدس، هنرمندان، پژوهشگران، نویسندگان و دستگاه های دولتی برای ادای دین خود به قافله شهدا تشکیل و به خلق آثار فرهنگی هنری پیرامون نقش فرماندهی امام^(ره) و شهدا و ایثارگران استان مرکزی در دفاع مقدس پرداخته که این آثار روزنه ای است برای ورود به سیره و سبک زندگی ایثارگران و حماسه آفرینان تا نسل های آینده با توریق در آن با افتخارات گذشته خود بیشتر آشنا شوند. این اثر تجلی گوشه ای از فدا کاری و رشادت های فرزندان خطه آفتاب است.

اینجانب با ارج نهادن به تلاش همه فعالان این حوزه، برای بهبود روند کار در آینده در انتظار ارائه نظرا، پیشنهادات و انتقادات خوانندگان گرانقدر به دبیرخانه کنگره می باشم. با آرزوی عزت، اقتدار و عظمت روزافزون ایران اسلامی.

دبیر کل کنگره ملی نقش امام خمینی^(ره)

در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

سرتیپ دوم پاسدار محسن کریمی

فهرست مطالب

- پیش گفتار ۱۱
- طلیعه ۱۸
- سخنرانی حضرت آیه الله امام خامنه‌ای عزیز در دیدار با متولیان فرهنگ و هنر
- دفاع مقدس ۱۸

گفتار اول (عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور) (شناسایی بالاترین خسارت)

- درآمد ۳۱
- تبریک به رزمندگان جبهه فرهنگی ۳۴
- حادثه محیط و تبدیل خسارت به فرصت ۳۵
- لطفاً یک لحظه توقف! ۳۶
- احساس شرمساری و حقارت! ۳۶
- چرا اسم پدر هانیه در کتاب تاریخ نیست؟ ۴۰

گفتار دوم (هدف از تحمیل جنگ) (قطعه قطعه کردن مام میهن)

- هدف از تحمیل جنگ، قطعه قطعه کردن خاک ایران بود! ۴۹
- با روایت‌گری صحیح، فضیلت‌های این دوران بی‌نظیر را احیا کرده و توسعه
- دهیم. ۵۶
- یک مطالبه‌ی متفاوت و تکلیفی راهبردی - کاربردی! ۵۸

گفتار سوم (دسته‌بندی حوادث دوران دفاع مقدس)
(خانه‌ها)

- درآمد ۶۵
 آیا می‌توانید آدرس جامعی از حوادث دوران دفاع مقدس بدهید؟ ۶۵
 خانه‌ها و نقش آن در حوادث دوران دفاع مقدس ۶۷

گفتار چهارم (حوادث دوران دفاع مقدس)
(راه‌ها)

- راه‌ها و نقش آن در حوادث دوران دفاع مقدس: ۸۱
 حمله به ستون نیروها ۸۵
 راه‌ها در سرزمین حماسه خاموش ۸۸
 حوادث ریلی ۹۱

گفتار پنجم (حوادث دوران دفاع مقدس)
(دل‌ها)

- شناسایی حوادث دل و نقش آن در دوران دفاع مقدس ۹۵
 تلخی حساب و کتاب ۹۷
 آیا هر لباس و خوراک؟ ۱۰۰
 شبیه دشمنان من نشوید ۱۰۴
 تفسیری زیبا از عشق، به روایت سردار شهید، دکتر مصطفی چمران ۱۰۸

گفتار ششم (حوادث دوران دفاع مقدس)
(مجموعه‌های تصمیم‌گیری - مدیریت بحران)

- شناسایی حوادث تصمیم‌گیری (مدیریت جهادی) و نقش آن در دوران
 دفاع مقدس ۱۱۷

گفتار هفتم (حوادث دوران دفاع مقدس)

(مجامع بین‌المللی)

- ۱۴۳..... حوادث بین‌المللی و نقش آنها در دوران دفاع مقدس
- ۱۴۴..... رفتارشناسی شورای امنیت
- ۱۴۸..... اروپای مدعی حقوق بشر

گفتار هشتم (ما را، ایت، الا جمیلا!)

- ۱۵۳..... زیباترین موضوعات هنری برای اصحاب فرهنگ و هنر
- ۱۵۵..... ما را، ایت، الا جمیلا
- ۱۶۱..... آثار بزرگ هنری دنیا
- ۱۶۲..... ما در دوران دفاع مقدس، پیروزی مطلق به دست آوردیم

گفتار نهم (تحلیل یا تجلیل جریان ایثار؟)

(تداوم گفتمان ایثار)

- ۱۶۷..... درآمد
- ۱۷۶..... رونمایی از یک ثروت عظیم فرهنگی
- ۱۷۷..... تحلیل جریان شهادت
- ۱۸۵..... مفاخر ارزشی اسلام چه کسانی هستند؟!

گفتار دهم (شهدا رنگ ثابت زندگی مردم)

- ۱۸۹..... کاری کنید که یاد و نام شهدا، رنگ ثابت زندگی مردم بشود!
- ۱۹۰..... کالبد شکافی رنگ ثابت
- ۱۹۴..... سلام و احوال پرسی به رنگ شهدا
- ۱۹۵..... خودسازی با کمک شهدا!
- ۲۱۰..... نگاه کردن با شهدا!

۲۱۲.....	زندگی در کنار شهدا!
۲۱۴.....	تفسیر عشق با شهدا
۲۱۶.....	با شهدا نوشتن!
۲۱۸.....	مشورت و تصمیم‌گیری با شهدا!
۲۳۰.....	مطالعه و تفکر، همراه با شهدا!
۲۳۴.....	انتقال انرژی مثبت با شهدا!
۲۳۶.....	مراعات بیت‌المال با شهدا! (انضباط اقتصادی و مالی)
۲۴۱.....	توصیه به حجاب و دوری از برهنگی
۲۴۲.....	آیا با شهدا می‌توان مسلمان شد؟!.....
۲۴۴.....	چرا به فرماندهان، امیران و سرداران شهید، بیشتر پرداخته می‌شود؟.....
۲۵۰.....	چرا عده‌ای نتوانستند استقامت کنند؟.....
۲۵۴.....	اندیشه سیاسی فوکویاما.....
۲۵۹.....	بازشناسی فلسفه‌ی انتظار به معنی قانع نشدن به وضع موجود!.....

گفتار یازدهم (برداشتی آزاد از متن کتاب)

۲۶۵.....	باغی بر آستان حضرت ماه (مقام معظم رهبری)
۲۶۵.....	چگونه وارد شدم؟.....
۲۶۹.....	طلیعه چشمه جوشان این باغ است و آبشخور تمام گلها.....
۲۷۲.....	نقش خانه‌ها در جنگ:.....
۲۷۳.....	شناسایی حوادث دل و نقش آن در دوران دفاع مقدس.....
۲۷۷.....	آفتاب در حجاب.....
۲۷۸.....	...ازدواج زینب ^(س)
۲۸۳.....	تحلیل جریان شهادت.....
۲۸۸.....	دلا بسوز.....
۲۸۹.....	منابع و مآخذ.....

پیش گفتار

اول: سلام!

دوم:

«معتقدم که:

باید نوشت به خاطر کسانی که ندیده‌اند و نشنیده‌اند!

باید نوشت به خاطر کسانی که نمی‌خواهند ببینند و بشنوند!

باید نوشت تا دست فردا از زیبایی‌ها، خالی نماند!

باید نوشت تا یاد آن مردان و زنان آسمانی در انبوه روزمرگی‌ها، مدفون

نشود!

باید نوشت تا همگانی که ندیده‌اند، بدانند که آنها، که بودند، چگونه

مجرور شدند، چگونه به خاک افتادند و در آخرین لحظه چه گفتند!...»

(عزیزی ۱۳۹۰/۸)

"...حادثه دفاع مقدس و این همه کار بزرگی که در آن هشت سال انجام

گرفته، در خور شناخته شدن و شناساندن است...

... دفاع مقدس مثل یک تابلوی عظیم، مثل یک نقاشی بسیار برجسته و

پرشکوهی است که این را آن بالا نصب کرده‌اند. ما از پائین داریم عبور

می‌کنیم، یک نگاهی می‌کنیم و تحسین می‌کنیم، جای تحسین هم دارد. لکن

اگر کسی به این تابلو و به این نقاشی بزرگ نزدیک بشود و اجزای آن را ذره

ذره مورد توجه قرار بدهد، خواهد دید که صد برابر آن شکوه و عظمتی که ما از این پائین در این حادثه می‌بینیم، در ذره ذره اجزای ترکیب دهنده این حادثه وجود دارد...

(حضرت امام خامنه ای عزیز مدظله العالی ۲۶ اسفندماه ۱۳۹۲)

"... ما جنگ را با آن زحمت انجام دادیم، بهره معنوی جنگ را باید مردم ببرند. این هم مال یکسال و دوسال و ده سال نیست، مال یک قرن است. یعنی ما همچنان که سرشکستگی قرارداد ترکمن چای را هنوز داریم حس می‌کنیم، باید پیروزی این جنگ را تا ۱۰۰ - ۲۰۰ سال آینده حس کنیم و این نمی‌شود، مگر با شکافتن ذره ذره ی سلول‌های این جنگ، این خیلی فوق العاده است، واقعا فوق العاده است، هر ذره ذره اش را آدم برود بشکافد، در آن حرف‌ها و مطالب هست..." (مقام معظم رهبری ۱۷ دی ۱۳۹۶)

و این گونه یا علی^(ع) گفتیم و عشق آغاز شد!
 "... می‌توانی درنگی دوباره داشته باشی بر این کلمات؛ کلماتی که به ظاهر
 آشنایند و تکراری!

در این دنیای وانفسا و غوغای تراکم آدم و آهن!
 مبدا خودت را با کلمات، بیگانه بینی! که این کلمات، حرف عشق‌اند و
 همواره نامکرر، کلمات پاکی چون «شهید»، «شهادت»، «ایثار» و ... و «عشق» که
 خود، حکایتی دیگر دارد.

این معجزه‌ها را پاس بدریم و قبول کنیم که داستان شهیدان (ایثارگران)،
 پایان‌ناپذیر است و هر کدام از اینان، شروع داستانی دیگرند، همان‌طور که آن
 عزیز نوشته است:

«داستان تمام شد، اما تازه این شروع داستان است!...» (سرداران خمینی: ۷)

سوم:

در انتخاب عنوان کتاب و خمیر مایه‌ی اصلی آن، پس از بحث و گفتگو، به منظور تحقق یکی از سیاست‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی در چشم انداز ۲۰ ساله، که به دنبال:

«نهاده‌ی سازی فرهنگ جهاد و ایثار در اندیشه، باور و منش مردم و مسئولان» می‌باشد، یکی از سخنان و راهبردهای مقام معظم رهبری در دیدار با متولیان فرهنگ و هنر دفاع مقدس (مهرماه سال ۱۳۷۹ که متن کامل آن در طلیعه کتاب آمده است) را انتخاب کرده و سهم قابل توجهی از مطالب گفتار اول تا هشتم را به آن، اختصاص دادم تا عنوان:

بازخوانی فرهنگ جهاد و ایثار از دیدگاه مقام معظم رهبری برای محتوای اصلی کتاب، انتخاب شود.

«می‌دانیم که دعای روح بخش روزهای تحویل سال نو به احسن حال ختم می‌شود؟! ای کاش همیشه در احسن حال بودیم، هیچ‌وقت بدحال و بی‌حال نمی‌شدیم!!!»

نکته بالا را در اکثر بحث‌های کارگاهی و کلاس‌های دانشگاهی می‌گویم و از مخاطبین می‌خواهم که دعا کنیم و دعا کنند، همیشه در احسن حال باشیم و اگر عده‌ای توانستند تاریخ را دگرگون کرده و در جایگاه رفیع ایثارگری قرار بگیرند که سال‌ها بایستی از فداکاری و درس‌های آموزنده‌ی آنها گفت و نوشت، به این خاطر بود که همیشه در احسن حال بودند!

مبانی قرآن و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام ذکر دائمی و الگوی رفتار عملی آنها گردید، ولایت و رهبری به عنوان شاخص و راهنمای آنها قرار گرفت و حال خوش آنها، باعث شد یکی از معجزات قرآنی:

"...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ" (بقره/۲۴۹)
را محقق کنند!

چهارم این که: «... آری! آن روزها گذشت.

اینک ماییم و بار سنگین پاسداری از ارزش‌های جهاد و شهادت و فرهنگ
سیجی و روحیه زلال صداقت و ایثار.

ماییم و تکلیف انتقال «فرهنگ جهاد و ایثار و شهادت» به نسل‌های آینده.
ماییم و وظیفه حفظ جلوه‌های جاویدان تجلی نور ایمان در عصر بی‌ایمانی!
هنوز هم در صحنه پیکاریم «ودفاع همچنان باقیست»، با همان آرمان
«ولایت» و پشتوانه‌ی «رهبری».

اما ... سلاح این نبرد و این مرحله عبارتست از: «بصیرت»، «هوشیاری»،
«آمادگی»، «سازندگی» و «پیام‌رسانی».

ضرورت هوشیاری برای آن است که فریب نخوریم، حرف‌ها و شایعه‌های
دشمن، ایمانمان را از کفمان نستانند.

سازندگی لازم است تا به اهداف انقلابمان برسیم
به «رسالت پیام» محتاجیم، تا آن همه شهادت‌ها، خون‌ها و آرمان‌ها، هدر
نرود و در پیچ و خم روزمرگی‌های زندگی گم نشود.

«چشم انقلاب» باید بسیار تیزبین باشد، «قلب انقلاب» باید خون‌حق و عدل
و قسط و قانون را در رگ‌های جامعه، جاری سازد.
گرامیداشت شهیدان گرانقدر، در این راستاست.

احیای نام و یاد شهید، افشاندن این بذر حرکت و بیداری در دل‌هاست و
تقدیس فرهنگ شهادت و تکریم شهیدان، ارج نهادن به ایثارهای ماندگار آن
عاشورائیان است.

و این، کمترین کاری است که می‌توان در برابر «شهادت» انجام داد. نسل امروز و آینده، تشنه‌ی «پیام» است...» (عرشیان: ۸)

اهمیت کار بدون خستگی در حوزه فاخر دفاع مقدس در رهنمودهای مقام معظم رهبری به روسا و مدیران عالی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را در ۱۷ دی ماه ۱۳۹۶ مرور می‌کنیم:

"... کارتان، کارمهمی است. حفظ آثار جنگ و تدوین دقایق و ریزه کاری‌های دوران دفاع مقدس، یکی از بهترین و با ارزش‌ترین کارهاست که الحمدلله شماها به آن مشغول هستید و ادامه می‌دهید و انشاءالله به نتایج خوبی هم خواهید رسید.

خسته از کار نشوید، کار را تمام شده فرض نکنید. آثار و برکات دفاع مقدس باید در ذهن‌های مجموعه جامعه ما و جامعه اسلامی، سال‌های متمادی باقی بماند، این هم بسته به کارهای شماست..."

پنجم: این کتاب با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با تعدادی از اصحاب فرهنگ و هنر دفاع مقدس از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۶ در یازده گفتار ساماندهی شده که در:

گفتار یکم به عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور؛

گفتار دوم هدف از تحمیل جنگ به ایران توسط استکبار جهانی؛

گفتار سوم تا هفتم اشاره ای به تقسیم بندی حوادث دوران دفاع مقدس (جبهه‌ها، خانه‌ها، راه‌ها، دل‌ها، مجموعه‌های تصمیم‌گیری و مجامع بین‌المللی)؛

گفتار هشتم مارایت الا جمیلا؛

گفتار نهم تجلیل یا تحلیل جریان شهادت؛

گفتار دهم شهدا رنگ ثابت زندگی مردم، گفتار یازدهم برداشتی آزاد از متن کتاب، موارد مدنظر تدوین شده است. با این توضیح می‌توانید به درون گفتارهای مختلف کتاب و تحلیل‌های کوتاه آن رفته و البته هر کدام از شما عزیزان با توانایی‌ها و علایق خود، رشته‌های معرفتی و عمیق دیگری به این زنجیره طلایی و گنجینه عمیق، بیفزایید.

و قطعاً می‌دانم که این نوشته بسیار ناقص و قابل نقد می‌باشد. چون فرهنگ ایثار و جهاد، مصادیق انبوه و قابل بررسی، اسناد و مدارک متنوع، گسترده و سینه‌های صادق با لایه‌های ناگفته و طلایی آن، برای واگویی‌های مخملی و زیبا از حوادث پر فراز و نشیب و لحظه‌های ماندگار... در این مختصر نخواهد گنجید و بابت این کم کاری و کم ذوقی، از اصحاب قلم و سرمایه‌های اصلی (خانواده‌های معظم ایثارگران و مردم فهیم کشور)، پوزش طلبیده و عذر می‌خواهم.

ششم: این کتاب از جلد دوم مجموعه ۱۴ جلدی اطلس جامع فرهنگی استان مرکزی که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان به صورت نرم افزاری در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در قم تهیه شده استفاده شده که پس از اضافات و بازنویسی، جهت بهره برداری عموم آماده شده است. لذا به نمایندگی از کلیه عوامل انسانی مؤثر در تولید این اثر، از زحمات و تلاش‌های مدیران و همکاران محترم وقت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مرکزی و مجری محترم پروژه اطلس فرهنگی استان مرکزی، جناب آقای

دکتر حسن عادلخانی، که زمینه تولید آن اثر فاخر را مهیا کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

هفتم: کتاب را به سرکار خانم رویا حسینی محقق و نویسنده در حوزه معارف اسلامی و فرهنگ دفاع مقدس دادم تا نقد کنند، ضمن تشکر از دقت نظر و نقد عالمانه ایشان که در مشهدالرضا^(ع) از مجاورین حضرتش هستند، تقاضا دارم بخش‌های کوتاهی از این نقد را پس از مطالعه کتاب در گفتار یازدهم، ملاحظه بفرمائید.

هشتم: از زحمات و تلاش‌های ویراستار و ناظر گرامی کتاب، جناب آقای دکتر میرنبی عزیززاده، بازخوانی و اصلاح برادر رزمنده و پیشکسوت دفاع مقدس جناب آقای ابوالقاسم صفرزاده و نیز پی‌گیری‌های اجرائی جناب آقای حاتم حبیب‌نیا در زمینه حروفچینی اولیه کتاب، صمیمانه سپاسگزارم. و نهم: پیشاپیش، غوطه‌ور شدن شما خوبان را در دنیایی از عرفان عملی رزمندگان و ایثارگران دوران دفاع مقدس که می‌تواند الگویی مطمئن برای نسل‌های آینده باشد، تبریک گفته و به معنویت شما غبطه می‌خورم. برای عاقبت به خیری خود، خانواده، کشور، جهان اسلام و البته بنده‌ی حقیر، دعا کنید.

همیشه در احسن حال باشید

احمد یارمحمدی پائیز ۱۳۹۱/

بازخوانی و ویرایش هفتم / بهمن ۱۳۹۶

طلیعه

سخنرانی حضرت آیه الله امام خامنه‌ای عزیز در دیدار با متولیان فرهنگ و هنر دفاع مقدس اولاً به برادران و خواهران عزیز و رزمندگان جبهه فرهنگی دفاع مقدس و عزیزانی که علاوه بر تن و جسم خود که به صحنه این آزمایش بزرگ ملت ایران بردند؛ جان خود، فکر خود، هنر خود، دل خود و توان فرهنگی خود را هم به این عرصه کشاندند و سرمایه ملت ایران را هرچه ارزشمندتر کردند، خوشامد عرض می‌کنم. مخصوصاً به خانواده‌های معظم شهیدان این جمع عزیز و جانبازان و دیگر ایثارگران. امیدوارم که خداوند متعال زحمات و تلاشهای با ارزش شما را مقبول درگاه خود قرار دهد و ادامه این راه پُرافتخار را نصیب همه کسانی که مایه‌ای از هنر و ادب و سرمایه‌های فرهنگی دارند، بکند.

جنگ، یکی از محیط‌ترین حوادث برای یک ملت است. ما همگی این را با وجود خودمان، با گوشت و پوست و احساس و ادراک خودمان مشاهده کردیم. این نیست که فقط در تاریخ چیزی خوانده، یا به آمارها مراجعه کرده باشیم. لیکن نکته مهم این است که ملتها می‌توانند این حادثه پُرخسارت را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند. می‌دانید؛ خسارت جنگ هم فقط این نیست که عزیزان ملت به کام مرگ کشانده می‌شوند یا ویرانی‌هایی به بار می‌آید و سرمایه‌هایی بر باد می‌رود.

اگر در جنگی عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکنندگی و ذلت و هزیمت معنوی‌ای که بر دوش آن ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه این خسارت‌ها بالاتر است.

امروز بیش از صد و پنجاه سال و نزدیک به دوست سال از قرارداد ننگین ترکمانچای می‌گذرد. هر ایرانی که آن تاریخ را بخواند، بعد از گذشت نزدیک به دو قرن، در روح خود احساس شرمساری، حقارت و شکست میکند و از خود می‌پرسد: چطور در حادثه‌ای به آن عظمت، سردمداران کشور قادر نشدند عزم ملی و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را به کمک هویت ملی این کشور به میدان بیاورند؟!

لشکر مهاجم دشمن تا قلب کشور آمد؛ بعد با التماس و درخواست و پیشکش دادن و وساطت دشمنان دوست‌نما و خسارتهای فراوان ملی و آن اهانت‌هایی که به ملت ایران شد، قبول کرد که قدری عقب بنشیند، در حالی که هفده شهر قفقاز را از ایران گرفته و کشور را از بخشی از پاره تن خودش محروم کرده بود! امروز هم که شما این حادثه را در ذهن خودتان یا در کتاب تاریخ مرور کنید و ببینید بر ملت ایران در آن حادثه تلخ چه گذشت، احساس خجالت و احساس سرافکنندگی و ذلت می‌کنید.

همین طور شبیه این، در حوادث جنگ بین‌الملل دوم، همین شهر تهران محل خودنمایی و پُز دادن افسران کشورهای مختلف شد که در خیابانها راه بروند، به ایرانی با چشم تحقیر نگاه کنند، از او کار بکشند، به او اهانت و به نوامیس او تجاوز کنند. این یک نوع بود، آن نوع دیگری بود. اینها نشانه یک خسارت بزرگ برای یک ملت در یک جنگ است.

در جنگی که در سال ۱۳۵۹ در این کشور رخ داد، همه این حوادث ممکن بود. آنهایی که می‌خواستند قطعه‌ای از خاک ایران را از ایران جدا کنند، هدفشان فقط این نبود که ایران را از آنچه که هست، قدری کوچکتر کنند. هدف این بود که این ملت را برای قرن‌ها - حداقل یک قرن، دو قرن - با احساس حقارت سر جای خود بنشانند. و در مردمی که جرأت کرده بودند مقابل امپراتوری عظیم استکبار جهانی قیام کنند؛ برخلاف همه عرفهای بین‌المللی، یک حکومت صددرصد مردمی را که به هیچ قدرتی در دنیا باج نمی‌دهد، سر کار بیاورند، روحیه شجاعت و خودباوری را بمیرانند.

آنچه که برای آنها غایت مطلوب بود، این بود و این می‌شد اگر آن کاری که رزمندگان کردند، آن کاری که خانواده‌ها کردند، آن کاری که بسیج عمومی ملت کرد، آن کاری که گزارشگران این صحنه‌های شرف کردند و در مقابل چشم مردم قرار دادند و آن کاری که آن سلسله‌جنبان همه این افتخارها کرد؛ نمی‌بود، همین می‌شد؛ تردید نداشته باشید.

قطعه‌ای از خاک ایران را می‌گرفتند، بعد با قدری چک و چانه مقداری از آن را پس می‌دادند و منت هم سر ملت ایران می‌گذاشتند - البته در طول سالهای متمادی و قطعاً بیش از هشت سالی که جنگ طول کشید این کار را می‌کردند - بعد ملت ایران هر وقت به آن منطقه از کشور خود می‌نگریست، احساس حقارت می‌کرد!

این که شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عربهای خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره امریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق

کمک کردند؛ هدفشان این نبود که چند شهر را از ایران بگیرند و به عراق بدهند یا یک دولت مستقل درست کنند. هدف، نابود کردن ملت ایران بود. هدف، صاف کردن آن حفره‌هایی بود که ملت ایران در دستگاه اقتدار امپراتوری استکبار به وجود آورده بود. اما خدا نخواست. «خدا نخواست»، یعنی چه؟

یعنی اگر آحاد ملت ایران غفلت می‌کردند و می‌خواستند؛ رزمندگان به جبهه نمی‌رفتند؛ امام نمی‌غرید و سینه سپر نمی‌کرد و نمی‌ایستاد و این همه استعداد و نیرو در این راه بسیج نمی‌شد؛ باز هم خدا همین‌طور می‌خواست؟ نه، اراده خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی دینی است.

این خسارتی که بنا بود به وجود آید - و اگر عزم ملی و تدبیر و خردمندی سردمداران و مسؤولان کشور و اخلاص و جدیت کسانی که در این راه قدم گذاشتند، نمی‌بود، قطعاً پیش می‌آمد - با این عزم ملی و با این ایمان، تبدیل به یک فرصت شد. آری؛ ما در جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارتهای مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول

محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. این در زندگی ما اتفاق افتاد.

عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام می کند، این است که روایت این حادثه به درستی صورت گیرد. نقش شما این جا معلوم می شود. شما هر کدامتان - شاید اکثرتان یا همه تان - به این میدانهای جنگ رفتید و در آن جا حضور پیدا کردید. آنهایی هم که سنشان آن وقت اقتضاء نمی کرده است، از مسائل آن آگاه شده اند. اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات، ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه به عکس خواهد شد.

این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من می خواهم این را از جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری ای که تا امروز درباره ی جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پُر کرده ایم. من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می باید تبیین کرد و می توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده ایم!

من غالب آثار هنری جنگ را یا دیدم یا شنیدم؛ البته در این سالهای اخیر کمتر. در دوره جنگ و سالهای اوایل بعد از جنگ، غالب این نوشته‌ها و روایت‌های تصویری و روایت‌های سینمایی و غیره را غالباً یا دیدم یا گزارشی از آنها به دست آوردم. قطعاً آثار با ارزشی در بین اینها وجود دارد؛ لیکن همه اینها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است.

همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دل‌هاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است.

ببینید؛ ما در دوره جنگ، از طرف مجامعی که ادعا می‌کردند در مسائل جهانی بی‌طرفند، در مقابل یک اعمال غرض‌واضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم می‌کردند. کسانی که امروز شما می‌بینید درباره سلاحهای کشتار جمعی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و از این حرفها داد سخن می‌دهند و جزو مسائل واضح می‌شمرند، اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند؛ برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب امریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند. اینها کجا و در کدامیک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است؟

من بارها گفته‌ام، ما یک وقت می‌خواستیم برای جبهه‌ها سیم خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمی‌شد - از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نداد ما سیم خاردار را از داخل کشور عبور دهیم و به ایران

بیاوریم. گفت این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آنها به دو طرف جنگ کمک نمی‌کنند!

این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود!

همین اروپای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در مقام صحبت، با نزاکت و ادب و اتو کشیده - چه قسمت شرقشان؛ همین یوگسلاوی فعلی و بقیه کشورهای بلوک شرق آن روز، و چه قسمت غربیشان؛ یعنی همین آلمان و بقیه - آنچه توانستند، به عراق کمک کردند، ولی حاضر نبودند ساده‌ترین چیزها را به ایران بفروشند. اگر یک وقت هم از طرفی دولت جمهوری اسلامی می‌توانست چیزهایی را از اینها بگیرد، با چند برابر قیمت و با زحمت می‌توانست به‌دست آورد!

البته هدفشان معلوم بود - من اوّل عرض کردم - بحث بر سر این بود که این عزّت ملی که به وسیله حرکت عظیم انقلابی مردم ایران به وجود آمده است، باید از بین برود. رخنه‌ای که به وسیله انقلاب در اقتدار فرهنگ غربی و سلطه غربی و نظام سلطه جهانی به وجود آمده است، باید پُر شود. هدف آنها این بود؛ به هر حال به این سیاست رسیده بودند. اینها کجای آثار هنری ما، در کدام فیلم یا نمایشنامه یا بقیه آثار هنری منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسلهای آینده ایران تجربه آموز نیست؟

امروز ما می‌بینیم وقتی که راجع به دفاع مقدّس و جنگ هشت ساله و این عظمت مطلقى که ملت ایران آفرید، صحبت می‌شود - که مهمترین موضوع هنرى است و يك هنرمند درباره این گونه شکوه‌های ملی، خوب می‌تواند قلم‌فرسایى یا میدان داری کند - بعضی از آثار در گوشه‌وکنار پیدا می‌شود که نه فقط عظمت را نمی‌بینند؛ می‌گردند يك نقطه‌ضعفى، یا واقعى، یا حتى پنداری، پیدا می‌کنند و آن را مورد مذاقّه قرار می‌دهند! هدف از این کارها چیست؟

چرا باید ما این فرآورده‌ی عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزّت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است - این گونه مردانه ایستاده و این طور شجاعانه دفاع کرده - ما بیايم آن را زیر سؤال ببریم؛ آن هم با زبان هنر؟! این کارها را می‌کنند. اینها به نظر من تصادفی هم نیست؛ یعنی نمی‌شود گفت حالا يك هنرمند به این فکر افتاده که می‌شود این گونه عمل کرد؛ نه. به نظر من غیرعادی می‌آید. البته تقصیر از مسؤولان و سردمداران مسائل هنرى و فرهنگى کشور است؛ آنها هم باید سازماندهی کنند؛ باید کار کنند.

این ملت آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و آمد. مرد روستایی و زن روستایی، مرد و زن مستضعف شهری، خانواده‌های گوناگون، جوانهای فراوان، قشرهای مختلف، سازمانهای رزمنده کشور - ارتش، سپاه، حتى نیروی انتظامی و بسیج عظیم مردم - همه اینها آمدند وارد میدان شدند. حقیقتاً ملت ایران در آن هشت سال، کار بزرگی را انجام داد. در تاریخ این چندین قرنیه که می‌تواند به مسائل امروز ما متّصل شود، بنده سراغ ندارم که ملت